

تاریخ: ۹۲/۴/۹ سریال PDN: ۱۲۷۲۲۰ تدوین گر: پرویز فتاحی
تیتیر پیشنهادی: ادغام وزارت صنعت و معادن و وزارت بازرگانی و تجربه سایر کشورها

ادغام وزارت صنعت و معادن و وزارت بازرگانی و تجربه سایر کشورها

جزیی‌نگری، فقدان انسجام و یکپارچگی، از بین رفتن همسویی استراتژیک و تعارض بین اهداف، نتیجه تقسیم کار بیش از حد و تفکیک سنتی وظایف در نهادها و سازمان‌های عمومی بوده است. تجارب کشورها نیز مؤید این نظریه است و براساس تفکر نهادگرایی یا اهمیت توجه به نقش نهادها در ایجاد فرآیندها و توسعه فعالیت‌های جدید، به سمت سناریوهای مختلف برای ایجاد نهاد متولی حوزه بازرگانی و صنعت رفته‌اند. برخی وزارت صنایع و تجارت خارجی ایجاد کرده‌اند و بازرگانی داخلی را جداگانه دیده‌اند، و برخی صنایع و تجارت را به طور اعم با هم دیده‌اند و برخی دیگر حتی امور اقتصادی را نیز در همان ترکیب اضافه نموده‌اند؛ نظیر ژاپن که از MITI (وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی) به METI (وزارت اقتصاد، صنعت و تجارت) تغییر ماهیت داد. از جمله دیگر تجارب کشورها می‌توان به مالزی، هند و کره جنوبی اشاره نمود که تجاربی تقریباً مشابه در ساختاردهی به بخش صنعت، معدن و بازرگانی در سطح کلان دولت دارند.

در سال ۱۹۴۵ وزارت اقتصاد و صنعت ژاپن ایجاد و در سال ۱۹۴۹ طی تغییراتی وزارت تجارت و صنعت بین‌المللی (MITI) جایگزین آن گردید. در اوایل دهه ۱۹۵۰، این وزارت به همراه وزارت دارایی و سازمان برنامه‌ریزی اقتصادی آن کشور، عمده تصمیمات را در زمینه‌های مالی، صنعت، تجارت و توسعه اقتصادی - اجتماعی عهده‌دار بودند، و تا آنجا که به بهره‌گیری از منابع ملی مربوط می‌شد این وزارت مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کرد. در سال ۲۰۰۱ تغییری در ساختار MITI به وجود آمد و وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت (METI) ایجاد گردید.

رابطه بسیار نزدیک وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن با صنایع ژاپن باعث شد سیاست تجارت خارجی پشتوانه و مکمل تلاش‌های دولت برای تقویت صنایع داخلی باشد و این وزارت‌خانه بتواند با انعطاف شایسته تحسینی متناسب با تغییر شرایط و افزایش رقابت‌پذیری سیاست حمایت تعرفه‌ای را در جهت کاهش موانع تجاری کاهش دهد و در صنایع مختلف متناسب با درجه بلوغ آنها درجه حمایت خود را انتخاب کند. این وزارت، هم یک معمار سیاست صنعتی کشور، هم یک داور برای اختلافات و مسایل صنعتی، و هم یک تنظیم‌گر بود. با اینکه در کشور ژاپن نظام برنامه‌ریزی مرکزی

در اقتصاد حاکم نبود، با این حال، دولت نقش مهمی را در مدرن سازی، فناوری، سرمایه گذاری در طرح ها و تجهیزات جدید و رقابت داخلی و خارجی از طریق ارشاد مدیریتی صنایع و طرق دیگر، رسمی و غیررسمی ایفا کرد.

در کشور کره جنوبی، در سال ۱۹۴۸ وزارت تجارت کره تأسیس گردید و پس از آن وزارت تجارت، صنعت و انرژی جایگزین آن شد. به مرور به دلیل اهمیت بیشتر تولید دانش و فناوری نسبت به تولید کالا، موضوعاتی همچون اقتصاد، تجارت و صنعت و حتی انرژی را تجمیع و در سال ۲۰۰۸ وزارت دانش و اقتصاد (IMKE) در آن کشور ایجاد شد.

در کشور ترکیه، وزارت بازرگانی و وزارت حمل و نقل و ارتباطات در سال ۱۹۳۹ پس از منفک شدن از وزارت اقتصاد تشکیل شدند. در سال ۱۹۴۹ وزارت بازرگانی و وزارت اقتصاد مجدداً ادغام شدند و وزارت اقتصاد و بازرگانی ایجاد گردید. این وزارتخانه ها در سال ۱۹۵۷ دوباره تفکیک شده و در سال ۱۹۷۱ به شکل جدید و با نام وزارت صنعت و تجارت ادغام شدند. البته شایان ذکر است، در طول این ادغام، بخش تجارت خارجی از این وزارتخانه جدا شده و وزارت روابط اقتصادی خارجی تأسیس شد و وظایف وزارت صنعت و تجارت به زمینه های صنعت و تجارت داخلی محدود گردید.

در کشور مالزی، وزارت بازرگانی و صنایع مالزی در آوریل سال ۱۹۵۶ تأسیس شد. سپس این وزارتخانه در فوریه سال ۱۹۷۲ به وزارت تجارت و صنعت تغییر نام یافت. سپس در سال ۱۹۹۰، به دو وزارتخانه وزارت صنعت و تجارت بین-المللی (MITI^۲) و وزارت تجارت داخلی و امور مصرف کنندگان (KPDN) تبدیل شد. وظایف اصلی وزارتخانه صنعت و تجارت بین الملل برنامه ریزی، قانون گذاری و اجرای سیاست های بین المللی تجاری و صنعتی برای اطمینان از توسعه صنعتی، تجارت و سرمایه گذاری بین المللی پیش بینی شده است.

وزارت صنعت و تجارت جمهوری چک همزمان با استقرار سایر وزارت خانه ها و نهادهای دولت در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد و بخش مرکزی بدنه دولت محسوب می شود و در موارد زیر نقش دارد: سیاست های صنعتی، سیاست های تجاری، سیاست های اقتصاد خارجی، سیاست یکپارچه مواد خام، استفاده از منابع معدنی، انرژی، گاز و ...، تجارت داخلی و توجه و حمایت از مشتری، تجارت خارجی و حمایت از صادرات؛ مسائل مربوط به سازمان های کوچک و متوسط به استثناء پشتیبانی از کسب و کارهای منطقه ای و مسائل تجاری؛

از آنجا که کشورهای شرق آسیا غالباً پیشرفت سریع اقتصادی خود را -که برخی معجزه شرق آسیا نامیده اند- در سایه نوعی تلفیق وظایف بازرگانی- بویژه بازرگانی بین الملل- با وظایف توسعه صنعتی بدست آورده اند، این است که هر استراتژی جدی توسعه صنعتی وظیفه خود می داند ابتدا به این سؤال جواب بدهد که آیا تلفیق وظایف و ایجاد دستگاه واحد دولتی برای هدایت همزمان تجارت و توسعه مفیدتر نمی باشد؟

¹ Ministry of Knowledge Economy

² Ministry of International Trade and Industry

در کل می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت، اکنون در غالب کشورهای دنیا حوزه‌های صنعت، بازرگانی و حتی اقتصاد از یکدیگر جدا نیستند و با رویکردی سیستماتیک و یکپارچه با یکدیگر هماهنگ شده‌اند. روند غالب در اقتصادهای تازه صنعتی شده نسل‌های اول و دوم تجربه نوعی تلفیق بین صنایع و بازرگانی بویژه بازرگانی بین‌الملل می‌باشد. اگرچه سرعت تحقق این روند در کشورهای نو توسعه بستگی مستقیمی به بالاتر بودن اهمیت اقتصاد نسبت به سیاست دارد. همچنین می‌توان اذعان داشت، هر قدر نقش دخالت کارکردی دولت در اقتصاد ضعیف‌تر و نقش توسعه‌ای آن پررنگ‌تر شده است، تشکیلات کلان دولت در دو جهت تغییر کرده است؛ اول اینکه کوچک‌تر شده و بیشتر از سازمانهای مردم نهاد و خود مردم استفاده کرده است و ثانیاً ترکیب وزارتخانه‌های آن به تناسب نیازهای توسعه‌ای متنوع و متغیر شده است.

در کشور ما نیز پیشنهاد تلفیق وزارت بازرگانی با وزارت صنعت و معدن براساس مطالعات صورت گرفته در سایر کشورها و همچنین شرایط فعالیت های بازرگانی، صنعت و معدن در کشور خود ما بوده است. نتایج تحقیقات نشانی از این بود که تجربه موفق سایر کشورها در تلفیق این دو حوزه مهم کارا بوده و برای کشور ما نیز مفید خواهد بود. البته همان‌طور که در سایر کشورها نیز مشاهده می‌گردد اجرای این طرح نیازمند اجرای آن تمامی اجزای به طور کامل داشته و برای اثربخشی نیازمند زمان می‌باشد.

تایید تهیه کننده:	تایید مدیر ذیربط:	تایید حوزه ریاست:	تایید رییس موسسه:
☐	☐	☐	☐